

حدود دخالت دولت در مؤسسات سازمان‌های عمومی غیردولتی

صادق دهمرده

کارشناسی ارشد حقوق

چکیده

نظارت قضایی و حاکمیت قانون نسبت به سازمان‌ها و مقامات عمومی ازجمله شاخصه‌های نظام‌های مردم‌سالار و تضمین‌کننده حقوق فردی و اجتماعی افراد جامعه به شمار می‌آیند. مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی نیز به‌عنوان یکی از مصادر امور عمومی که با برخورداری از اقتدارات ناشی از قدرت عمومی دارای جایگاهی معتنا به درصحنه‌های مختلف امور اجتماعی و اداره امور عمومی جامعه گردیده‌اند از این امر مستثنی نمی‌باشند. نظارت قضایی بر این گونه مؤسسات می‌تواند ابزار مؤثری در پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مؤسسات مزبور و تضمین حقوق افراد در برخورد با این مؤسسات به شمار آید. برای تحقق چنین هدفی وجود حاکمیت قانون و معیارهای بنیادین آن در خصوص نظام حقوقی این مؤسسات از ضروریات می‌باشد. لیکن با بررسی مؤلفه‌های حاکمیت قانون نسبت به این مؤسسات مشاهده می‌شود که در این خصوص مؤسسات مزبور از ضعف اساسی برخوردار می‌باشند. در ماده ۵ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶، قانونگذار مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی را تعریف کرده است که بر اساس ماده مذکور، مؤسسات عمومی غیردولتی: "واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد تشکیل شده و یا می‌شود". علاوه بر این تعریف، در قانون مدیریت خدمات کشوری که در سال ۱۳۸۶ به تصویب رسیده است نیز به تعریف مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی پرداخته شده است که به موجب ماده ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به این صورت تعریف شده‌اند: "واحد سازمانی مشخصی است که دارای استقلال حقوقی است و با تصویب مجلس شورای اسلامی ایجاد شده یا می‌شود و بیش از ۵۰ درصد بودجه سالانه آن از محل منابع غیردولتی تأمین می‌گردد و عهده دار وظایف و خدماتی است که جنبه عمومی دارد". همانگونه که ملاحظه می‌شود، یکی از مهم‌ترین ارکان مربوط به ماهیت مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی آن است که بیش از نیمی از بودجه سالانه آنها توسط منابع غیردولتی تأمین می‌شود و همچنین، این مؤسسات به موجب قانون ایجاد می‌شوند و تنها با مجوز قانون است که یک نهاد یا موسسه، عنوان "موسسه یا نهاد عمومی غیردولتی" را می‌یابد.

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۴۸-۱۳۹